

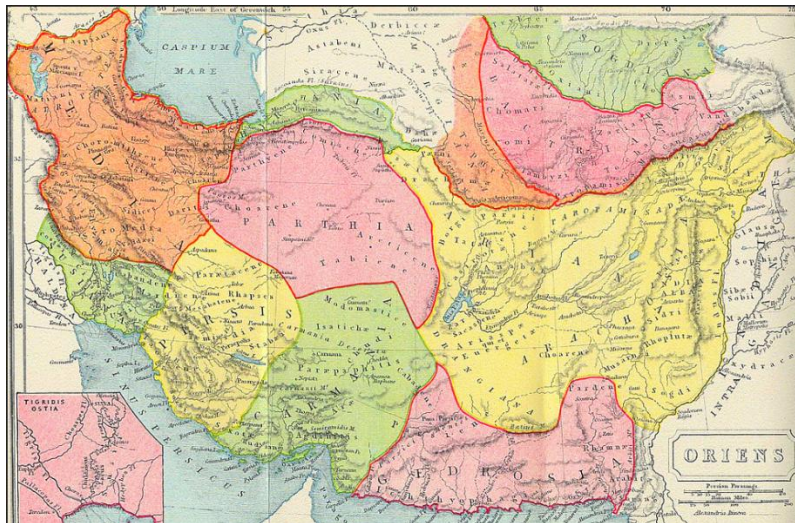
مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۱۵

احمد فواد ارسال

امپراتوری، اختراع، و مصادره تاریخی



نقشه جغرافیه نگار یونانی سال ۲۲۰ قبل از میلاد

تحلیل مقایسوی تطبیقی ایران (پارس)، پاکستان و افغانستان

در مباحث سیاسی معاصر، اغلب ایران، پاکستان و افغانستان به گونه‌ای مطرح می‌شوند که گویی همگی از جریان تاریخی مشابهی به وجود آمده‌اند. این برداشت نادرست است. این سه کشور نماینده سه مسیر کاملاً متفاوت تاریخی‌اند: یکی امپراتوری‌ای است که در قرن بیستم نام خود را تغییر داد و عنوان یک تمدن را مصادره و غصب کرد، یکی ساخته مصنوعی استعمار است، و سومی دولتی است که با وجود کاهش قلمرو، تداوم تاریخی خود را حفظ کرده است.

این کشورها وارثان برابر تاریخ کهن نیستند، بلکه نمونه‌های سه مدل متضاد شکل‌گیری سیاسی‌اند: بازنام‌گذاری امپراتوری، اختراع استعماری، و بقای تمدنی.

۱ «ایران»: نامی قرن بیستمی برای پارس

پارس باستان بدون تردید یکی از بزرگترین امپراتوری‌های تاریخ بود، اما هرگز یک «دولت-ملت پارسی» به معنای امروزی آن نبود و هرگز با نام «ایران» به عنوان یک کشور شناخته نمی‌شد.

امپراتوری‌های هخامنشی، اشکانی و ساسانی:

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلپکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له رالپړلو مخکي په څير و لولئ

- از آناتولی تا آسیای میانه و از قفقاز تا دره سند گسترده بودند؛
- بر ده‌ها قوم حکومت می‌کردند: مادها، ایلامی‌ها، بابلی‌ها، ارمنی‌ها، یونانی‌ها، باختری‌ها، سغدی‌ها و عرب‌ها؛
- و از زبان‌های گوناگون اداری استفاده می‌کردند که مهم‌ترین آن آرامی بود، نه فارسی.

این امپراتوری‌ها:

- امپراتوری بودند، نه دولت ملی؛
 - چندفرهنگی بودند، و فارسی در آن نقش نداشت؛
 - دودمانی بودند، نه مبتنی بر هویت مردمی.
- یونانیان این دولت‌ها را «پارس» می‌نامیدند، زیرا خاندان حاکم از ناحیه پارس (فارس) برخاسته بود، نه به‌خاطر آن‌که همه تمدن آن «پارسی» باشد.

نام «ایران» به‌معنای پارس نبود

از نظر تاریخی، «ایران» (ایران‌شهر / آریانام) به معنای پارس امروزی نبود. در جغرافیای کلاسیک و منابع آغازین اسلامی، «ایران» و «آریانا» عمدتاً به مدنیّت شرقی اطلاق می‌شد:

- باختر (بلخ)
- سیستان
- هرات
- کابل
- غزنی
- خراسان

این مناطق امروز همه در قلمرو افغانستان قرار دارند، نه ایران کنونی.

جغرافیه‌نویسان یونانی به وضاحت چه در کتاب‌ها و نقشه‌های هم‌امین:

- پارس (Persis)
 - و آریانا (Ariana)
- تفاوت قایل می‌شدند.

استرابو و اراتوستن آریانا را در سرزمینی قرار می‌دادند که امروز افغانستان نام دارد.

پس در گذشته:

- پارس = یک ولایت غربی
- آریانا / ایران = یک حوزه تمدنی شرقی

تغییر نام سیاسی در ۱۹۳۵

د پانو شمیره: له 2 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

در سال ۱۹۳۵، رضاشاه از دولت‌های خارجی خواست به‌جای «پارس» از نام «ایران» استفاده کنند، این موضوع که چرا دولتمداران افغانستان به این تغییر نام و دزدی هویت آریانا توسط فارس‌ها اعتراض نکردند بحث جداست.

این اقدام:

- یک تصمیم مدرن سیاسی بود، نه تداوم طبیعی تاریخی؛
- کوششی آگاهانه برای تبدیل خاطرهٔ امپراتوری به هویت ملی؛
- و تصاحب نمادین نام یک تمدن گسترده‌تر (آریایی / ایرانی) بود.

با پذیرفتن نام «ایران»، دولت پارس:

- عنوان تمدنی آریانا را غصب کرد؛
- مالکیت تاریخی بر حوزه‌ای را ادعا نمود که قرن‌ها مرکز آن در بلخ، هرات و خراسان بود؛
- و خود را به نادرستی وارث یگانهٔ تمدن ایرانی معرفی کرد.

این امر میراث‌گیری نبود، بلکه قدم ماهرانه و غاصبانه بازنام‌گذاری سیاسی بود.

از این‌رو، ایران امروز:

یک دولت پارسی است که نام تمدنی آریایی را بر خود نهاده است.

ایران امروزی همان «ایران» جغرافیای کلاسیک نیست؛ بلکه پارس قرن بیستم است که به نام ایران تغییر نام داده است.

۲. پاکستان: دولتی بدون عمق تاریخی

پاکستان نمونهٔ کاملاً متفاوتی است: نه امپراتوری تغییرنام‌یافته، بلکه دولتی مصنوعی ساخته‌شده است.

پیش از ۱۹۴۷:

- هیچ کشوری به نام پاکستان وجود نداشت؛
- هیچ امپراتوری‌ای با این نام حکومت نکرده بود؛
- هیچ سنت سیاسی مشترکی پنجاب، سند، بلوچستان و سرزمین‌های پشتون را به‌صورت یک دولت واحد پیوند نمی‌داد.

د پانو شمیره: له 3 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ



نقشه افغانستان و هند و ایران در قرن ۱۸ قبل از حذف مناطق افغانستان توسط بریتانیا و قبل از اختراع دولت تصنعی پاکستان

پاکستان:

- به‌دست ادارمکنندگان بریتانیایی در جریان تقسیم هند برای دوام مقاصد استعمار در منطقه ساخته شد؛
- مرزهای آن توسط سیرل ردکلیف در چند هفته ترسیم گردید؛
- بر پایه ضرورت‌های استعماری و ایدیولوژیک شکل گرفت، نه بر پایه تاریخ مشترک.

اصل وحدت آن:

- استفاده از دین (هویت اسلامی) برای مقاصد استعماری بود، نه:
- زبان،
- فرهنگ،
- حافظه تاریخی،
- یا تمدن مشترک.

پنجابی‌ها، سندی‌ها، پشتون‌ها و بلوچ‌ها:

- تاریخ‌های جداگانه،
- ادبیات جداگانه،
- وفاداری‌های متفاوت،
- و گذشته‌های سیاسی مستقل داشتند.

د پانو شمېره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: د لیکنیزې بڼې پازوالۍ د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له لایرلو مخکې په څیر و لولئ

بنابر این پاکستان:
محصول نقشه‌کشی استعماری است، نه تحول تمدنی.

نه نام باستانی دارد،
نه تبار امپراتوری،
و نه دولتی‌داری کلاسیک.

۳. افغانستان: بازمانده سیاسی آریانا

افغانستان نمونه سومی است:
دولتی که قلمروش توسط استعمارکاهش یافته، اما هویت سیاسی‌اش پیوسته باقی مانده است.

سرزمین‌های آن در تاریخ با نام‌های زیر شناخته می‌شد:

- آریانا (در جغرافیای کلاسیک)،
- باخترا،
- خراسان،
- و بخش‌هایی از دولت‌های غوری و غزنوی و تیموری.

این مناطق:

- مراکز تمدن آریانا بودند؛
- خاستگاه ادبیات فارسی دری؛
- و پایگاه‌های اصلی دانش و دولتی‌داری اسلامی.

نام سیاسی «افغانستان» با تأسیس دولت درانی در ۱۷۴۷ توسط احمدشاه درانی در این منطقه جغرافیایی شکل گرفت.

از آن زمان:

- افغانستان با وجود توطئه‌های استعماری و کوشش‌های متداوم که حد اکثر به محدودیت روابط خارجی
مجبور ساخته شد همیشه به‌عنوان یک قلمرو متمایز وجود داشت؛
- روابط دیپلماتیک برقرار کرد؛
- تداوم دودمانی داشت؛
- و نام خود را حفظ نمود.

در قرن نوزدهم:

- بریتانیا بخش‌های بزرگی از قلمرو آن را جدا کرد (پنجاب، سند، بلوچستان، پشاور)؛
- و افغانستان از نظر آنها به دولت حایل میان روسیه تزاری و هند بریتانوی نامیده شد که این صرف یک
نامگذاری ستراتیژیک از نظر آنها بود و بر خلاف ادعای نویسندگان استعماری و امروز ادعای بی‌معنی
دست‌نشانده‌های خارجی، افغانستان همیشه موجود و متداوم بود نه ایجاد یک تشکل نو بنام دولت حایل.

با این همه:

د پانو شمیره: له 5 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
پاڼونه: د لیکنیزې بڼې پازوالې د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په څیر و لولئ

- دولت آن هرگز منحل نشد؛
- نامش تغيير نكرد؛
- و هويت سياسى اش از ميان نرفت.

برخلاف پارس، خود را بازنامگذاری نكرد؛
و برخلاف پاكستان، به دست استعمار ساخته نشد.

افغانستان باقى ماند به عنوان:
هسته سياسى بازمانده از آريانا.



آرشيف: مطالب نشرشده محترم احمد فواد ارسلا